



شادی شیدا هنرمند معلول



شما مسئول رسیدن به آرزوها و رویاهایتان هستید

مقدمه

باتبریک سال نو، دوستان خوبم، خوانندگان مجله جوانان امروز، امیدوارم سال خوب و پر نشاطی را شروع کرده باشید و شاد و پر انرژی برای رسیدن به خواسته‌هایتان در سال جاری کوشا باشید.

همانطور که همه ما می‌دانیم، زندگی هم مانند سال، فصل فصل است و هر فصل زندگی را، می‌توان به یک رنگ زیبا نقاشی کرد. این بستگی به نگاه ما دارد که چگونه به زندگی بنگریم. می‌توانیم در شرایط نامعمول و سخت هم زندگی زیبا بسازیم و از آن لذت ببریم. یکی از کسانی که چنین نگاهی دارد، هنرمندی توانا به نام "شادی شیدا" است که زندگی را زندگی می‌کند!

***لطفا خودتان را برای خوانندگان مجله معرفی کنید.**

شادی شیدا هستم متولد دی ماه ۱۳۶۲. در شرق گیلان متولد شدم و ساکن رشت و فرزند دوم خانواده هستم. دیپلم فنی حرفه‌ای دارم و مجردم.

***فکر می‌کنید اگر روزی تصمیم به ازدواج بگیرید از پس اینکار برمیاید؟**

بله چرا که نه؟! باید برای خوب زندگی کردن تلاش کرد و خواستن توانستن است.

***شاغل هستید؟ شغلتان چیست؟**

بله، کارشناس و مشاور کار و بازاریابی و کار آفرینی. در شرکت بازاریابان ایرانیان زمین مشغول به کارم.

***با وجود کمبود شغل برای همه جوانان خصوصاً معلولین چطور شما توانستید شرایط کاری نسبتاً خوب داشته باشید؟**

این دقیقاً ویژگی شغل و کار ماست که هیچ محدودیتی برای افراد خصوصاً دارای شرایط خاص جسمی در آن وجود ندارد و همین کمک می‌کند به تمام افراد که مهارت شناخت توانایی‌هایشان را پیدا کنند. از آن برای رشد خودشان و جامعه به سمت مثبت اندیشی استفاده کنند.

***شما گفتید کار آفرین هستید می‌شود کمی در موردش توضیح دهید؟**

بله به نوعی. شغل ما بازاریابی است. افراد در این صنعت مثبت اندیشی را یاد می‌گیرند و می‌توانند کارها را به سبک جدید و نو انجام بدهند. حداقل‌ها را به حد اکثرها برسانند، از کمترین سرمایه استفاده کنند، معنا و مفهوم ارتباطات درست را یاد بگیرند، اهرم دانستن زمان و ارزش آن را، به نحو احسن استفاده کنند و غیر...

***لطفاً راجع به معلولیت خودتان برای خوانندگان مجله صحبت کنید.**

معلولیت من از نوع جسمی حرکتی و با نام (استوئوز آمیوکتا) یا شکستگی استخوان شناخته می‌شود. نوعی نارسایی استخوانی که استخوانها بطور طبیعی شکل نمی‌گیرند و بسیار شکننده هستند.

*چگونه با موضوع معلولیتان کنار آمدید؟

برایم اوایل شاید گیج کننده و کار سختی بود، کنار آمدن با مورد معلولیت. چون چیزی است که هیچکس تحت هیچ شرایطی خواهانش نیست، در وهله اول دنیایی می‌بینی متفاوت از دیگران، پر از تاریکی و تنهایی. اما در همان تاریکی هم چشمها می‌تواند عادت کند و چیزهایی را ببیند و حس کند که دیگران قادر به درکش نیستند.

دقیقاً به همین شکل بعد از مدتی متوجه شدم، که این شرایط من می‌باشد و نمی‌توانم آنرا تغییر بدهم، یا باید تا ابد غصه می‌خوردم که این صورت مسئله را تغییر نمی‌داد و یا همینطوری که هستم خودم را بپذیرم و راهم را پیدا کنم. این زندگی من است و تنها خودم می‌توانم به آن شکل و معنا بدهم.

***معلولیت شما مادرزادی است؟**

بله. مادرزادی است.

***چه انگیزه‌ای باعث پیشرفت شما شده است؟**

بلند پروازی، میل و اشتیاق زیادم به زندگی و آینده. مهمتر اینکه نمی‌توانستم ناتوانی را بپذیرم، دوست نداشتم هیچوقت از کسی عقب باشم. همیشه دلم می‌خواست من هم بتوانم کارهایی که دیگران می‌کنند را انجام بدهم، مهم نبود به چه شکل. با خودم فکر می‌کردم خوب وقتی من متفاوتم پس کارها و راههایی هم که می‌روم می‌تواند متفاوت باشد.

***در چه رشته هنری فعالیت دارید؟**

نقاشی، تئاتر، نمایشنامه نویسی و مدیریت هماهنگی و اجرای هنری نمایشها. به موسیقی و عکاسی هم بسیار علاقه دارم چهارده سال است به طور حرفه‌ای نقاشی می‌کنم (پرتره سیاه قلم مدارنگی و غیره) و سابقه آموزش و تدریس هم دارم. سه سال هم سابقه نمایشنامه نویسی و نوشتن داستانهای کوتاه را دارم و البته ۹ سال هم در زمینه تئاتر کار کردم و مدیریت هماهنگی و اجرایی نمایشها بودم.

***چگونه به استعداد خود پی بردید؟**

از نظر من اگر اشتیاق به زندگی کردن داشته باشید، راه لذت بردن از آن را هم پیدا می‌کنید. استعدادهای درون ما موقعی به چشم می‌آیند که ما بتوانیم و بخواهیم زندگی را زیبا ببینیم و زیبا بسازیم. وقتی بخشی از آن را می‌سازیم و به آن رجوع می‌کنیم، انگیزه بیشتری برای تکمیل کردن خود خواهیم داشت. یعنی همان تکامل روح و ذهن.

***از هنرتان در چه جاهایی استفاده می‌کنید؟**

من هنر را از روی علاقه و دلی انجام می‌دهم و به عنوان یک شغل و حرفه تجاری نمی‌بینم. ولی اگر بدانم جایی می‌توانم با هنر خود فرهنگ درستی را جا بیندازم و یا خدمتی کرده باشم بی شک از آن استفاده خواهم کرد.

***موقع خلق اثر چه احساسی در وجودتان شکل می‌گیرد؟**

من هنر را برای دل خودم دنبال می‌کنم. می‌تواند تصویری و یا حسی من را به سمت قلم و رنگ ببرد. یک جمله یا گاهی موقعیت و تجربه‌ای جالب مرا به سمت نوشتن سوق دهد. تصویر و لحظه‌ای هم هست که ارزش ثبت کردن و شکار آن لحظه ناب را دارد و من را برای عکاسی به وجد بیاورد.

***کمی از هنرتان برای ما بگویید، چطور شد به هنر علاقه مند شدید؟**

در واقع هنر یک حس درونی است و با احساس و فکر، ارتباط مستقیم دارد هنر یک نوع زبان است. اگر ۵ هنرمند از ۵ کشور مختلف در یک زمان و مکان در کنار هم قرار بگیرند، حتی اگر به زبان همدیگر تسلط نداشته باشند، باز هم می‌توانند از طریق هنرشان باهم ارتباط بگیرند. یا روی روحیات هم شناخت پیدا کنند!

از کودکی عاشق مداد و کاغذ بودم. از بویشان خوشم می‌آمد و بازی با کلمات و نحوه کنار هم قرار دادنشان را دوست داشتم، به طوری که معنای خاصی به خودش بگیرد، برایم لذت بخش بود. همینطور کشیدن خطوط خصوصاً سایه‌ها، من وقتی به طبیعت و یا هر چیزی نگاه می‌کردم، جور دیگری می‌دیدم. اینطور که دارای چه خطوطی هست و چه رنگبندی دارد، تیره یا روشن؟! کلاً توجه و نگاهم به اطراف متفاوت بود.

عاشق موسیقی بودم. همیشه فکر می‌کردم اول از همه موسیقی را یاد بگیرم. اما متأسفانه تا به امروز فرصتی پیش نیامده. اما اطمینان دارم در آینده این اتفاق می‌افتد. تقریباً از سن ۱۴ سالگی نقاشی را بطور حرفه‌ای شروع کردم.

۲۴ سالم بود که بطور اتفاقی با یک کارگردان تئاتر آشنا شدم. ایشان من را تشویق کرد با دنیای تئاتر آشنا بشوم و برایم یک موهبت بود چرا که فکرش را هم نمی‌کردم.

***تابه حال در رشته هنر در مسابقه یا جشنواره‌ای شرکت کردید؟**

فقط ۲ بار، یکی در تیرماه سال ۹۰ در پارک شهر و شهریورماه سال ۹۰ نمایشگاه بین‌المللی در مجتمع فرهنگی هنری خاتم الانبیا رشت برگزار کردم. در کنار چند استاد بزرگ هنر قرار گرفتم، این برایم افتخار زیادی داشت. در آن نمایشگاه بین ۶ هنرمند برتر کشور قرار گرفتم.

***نگاه مردم به هنر شما با وجود شرایطتان چگونه است؟**

می‌توانم بگویم بسیار خوب... اما من همیشه سعی کردم قبل از اینکه بخواهم هنرم را نشان بدهم، اول خودم را ثابت کنم. هرگز دوست نداشتم من را برای معلولیتم مورد تعریف و تحسین قرار دهند و به من ترحم کنند. می‌خواهم کسی را به نام شادی شیدا بشناسند بدون توجه به شرایط خاصش...

***به نظر شما هنر یک فرد توانمند در نزد مردم چقدر ارزش دارد؟**

خب در وهله اول باید دید منظور ما از ارزش چه چیزی می‌تواند باشد؟! مردم وقتی افرادی با شرایط خاص را می‌بینند برایشان سخت و باور نکردنی است که با چنین شرایطی توانایی